

بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

جواد فتوح^{۱*}

محمدحامد خان محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

چکیده

به دلیل اهمیت سود شرکت برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، مدیریت سعی می‌کند مبلغ و نحوه‌ی ارائه سود را بهبود بخشد که یکی از این شیوه‌ها پدیده هموارسازی سود است. هموارسازی می‌تواند بر رفتار استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مؤثر واقع گردد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. اطلاعات موردنیاز این پژوهش برگرفته از صورت‌های مالی ۱۳۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ می‌باشد. پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی؛ و از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است. برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و معنادار بودن مدل برآورده شده از روش رگرسیون چندگانه مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که از میان ابعاد هزینه‌های سیاسی، ریسک شرکت و اندازه شرکت، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر همواری سازی سود دارند و مالکیت دولتی تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد، اما تأثیر شدت سرمایه‌گذاری بر هموارسازی سود معنی‌دار نیست.

واژگان کلیدی

هزینه‌های سیاسی، هموارسازی، ریسک شرکت، مالکیت دولتی، شدت سرمایه‌گذاری

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول: Javadfotooh@yahoo.com)

^۲ دانشیار گروه حسابداری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران. (Dr.khanmohammadi@yahoo.com)

۱. مقدمه

در میان اطلاعات ارائه شده از طریق صورت‌های مالی، سود حسابداری به لحاظ اهمیت آن در تصمیم‌گیری، ارزیابی عملکرد و قراردادهای بدهی همواره در معرض دستکاری به وسیله مدیریت قرار دارد (اخگرزاده و همکاران، ۱۳۹۹). سود گزارش شده از جمله اطلاعات مالی مهم است که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. تحلیلگران مالی عموماً سود گزارش شده را به عنوان یک عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند؛ و یکی از مباحث مهم در مدیریت سود هموارسازی^۱ سود می‌باشد (عمادی و خمیس آبادی، ۱۳۹۸). هموارسازی سود را تلاش مدیریت واحد تجاری برای کاستن نوسان‌های غیرعادی سود تا آن اندازه که اصول حسابداری و صلاحدید مدیریت اجازه داده باشد، تعریف کرده‌اند (براتی و حیدرزاده، ۱۴۰۰)

مطالعات در مورد هموارسازی سود به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند. گروه اول به تأثیر هموارسازی سود بر عملکرد شرکت می‌پردازد. گروه دوم به عوامل مؤثر هموارسازی سود می‌پردازد. یکی از این عوامل ارتباطات سیاسی^۲ است. روابط سیاسی در مقایسه با سازوکارهای اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین‌کننده سودآوری شرکت در کشورهای در حال توسعه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌ها برای دستیابی به اهداف خود وارد فرایند سیاسی می‌شوند. ایجاد فرایند سیاسی با هدف دریافت منافع به شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد (ملاحی^۳، ۲۰۱۶) به همین دلیل شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند. هزینه‌های سیاسی^۴ می‌تواند تأثیر مثبتی بر تخصیص سرمایه و فرصت‌های رشد برای شرکت‌ها داشته باشد و منجر به ایجاد مزیت رقابتی در مقایسه با سایر شرکت‌ها شود (جامعی و رسولی، ۱۳۹۹). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که فشارهای سیاسی یکی از عوامل مؤثر بر دستکاری سود است، بدین معنی که واحدهای تجاری به منظور مواجهه با فشارهای مزبور، تلاش می‌کنند گزارشگری مالی خود را در جهت حمایت نمایند که تفسیر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی موجب انتقال ثروت به خارج از شرکت نشود. توجه به عواقب اقتصادی گزارشگری مالی موجب می‌شود که صورت‌های مالی، دیگر ارائه‌صادقانه نتایج فعالیت‌های شرکت نباشند. عدم ارائه صادقانه نتایج عملیات، عموماً خود را به شکل ارائه سود کمتر یا بیشتر از واقع نشان می‌دهد (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به اهمیت موضوع کیفیت سود گزارش شده و شیوه‌های دستکاری آن در انواع روش‌های حسابداری خلاقانه برای ذینفعان بازار سرمایه و با توجه به فقدان مطالعاتی در این زمینه در این تحقیق سعی می‌شود که به بررسی تأثیر چند عامل از اجزای هزینه‌های سیاسی شامل ریسک شرکت، اندازه، شدت سرمایه‌گذاری و مالکیت دولتی بر پدیده هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در اوراق بهادار تهران بپردازیم. نتایج این تحقیق می‌تواند حوزه‌های نوینی را برای انجام مطالعات جدید در حوزه اقتصاد سیاسی، هزینه‌های سیاسی و ارتباطات سیاسی با پدیده کیفیت و یا دستکاری سود در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

¹ Income Smoothing

² Political Connections

³ Mellahi

⁴ Political Costs

۲. ادبیات پژوهش

هموارسازی سود

پدیده هموارسازی سود طی نیم قرن اخیر بسیار مورد توجه پژوهشگران حسابداری بوده است. این پدیده به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌گردد که به منظور کاهش نوسانات دوره‌ای سود انجام می‌شود. پژوهشگران عموماً بر این باورند که مدیران به منظور نشان دادن تصویری باثبات از روند سودآوری در چارچوب اصول و روش‌های متداول حسابداری به هموارسازی سود دست می‌زنند. (عمادی و خمیس آبادی، ۱۳۹۸)

در مورد هموارسازی سود دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه این است که هموارسازی سود باعث پنهان‌کاری و تحریف اطلاعات مالی می‌شود. این دیدگاه بیان می‌دارد که افراد درون‌سازمانی برای مخفی نگه‌داشتن اعمالشان و به منظور جلوگیری از مداخلات افراد برون‌سازمانی اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند. لئوز و همکاران^۱ (۲۰۰۳) معتقدند در کشورهایی که از سرمایه‌گذاران کمتر حمایت می‌شود، مدیران، سود را به منظور پوشاندن عملکرد واقعی و درست شرکت‌ها هموار می‌کنند تا بدین وسیله از منافع شخصی خودشان محافظت کنند. اگر مدیران سودهای شرکت را به صورت غیرواقعی گزارش کنند، آنگاه هموارسازی سود باعث نشان دادن سودهای غیرواقعی شده و موجب بروز مشکلاتی در واحدهای دارای عملکرد ضعیف در آینده‌ای نزدیک می‌گردد. بارت و همکاران^۲ (۲۰۱۷) معتقدند هموارسازی سود به‌عنوان فرآیند مدیریت سود منجر به تحریف اطلاعات می‌گردد. دیدگاه دیگر این است که هموارسازی سود باعث اتخاذ تصمیمات بهتر برای سرمایه‌گذاران می‌شود. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان تمایل دارند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که سود را هموارتر و باثبات‌تر نشان دهند. به همین دلیل مدیران برای دستیابی به اهدافی مانند افزایش رفاه سهامداران یا افزایش ثروت سهامداران با تأثیر رفتار هموارسازی سود بر قیمت سهام و تسهیل قابلیت پیش‌بینی سود، انگیزه انجام رفتار هموارسازی سود را پیدا می‌کنند (براتی و حیدرزاده، ۱۴۰۰)

هزینه سیاسی

بر اساس فرضیه سیاسی، سیاستمداران و افراد وابسته به دولت، در پی حفظ و بیشتر نمودن نفوذ خود در جامعه و اجتماع می‌باشند. بر اساس این فرضیه، فرایند سیاسی، رقابت برای انتقال ثروت می‌باشد (مالیات‌ها، مقررات، تعرفه‌ها و غیره باعث جابه‌جایی ثروت می‌شود). مشارکت در این فرایند بدون هزینه نیست و مستلزم تقبل هزینه کسب اطلاعات و ائتلاف است. شرکت‌ها نیز در یک محیط سیاسی فعالیت می‌کنند و الزاماً هزینه‌هایی را از طریق فرایند سیاسی متحمل می‌شوند. در فرایند سیاسی، عوامل زیادی دخیل هستند که شکل و نحوه عمل افراد و شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قادری و همکاران، ۱۳۹۸)

هزینه‌های سیاسی هزینه‌هایی هستند که برای تداوم فعالیت و حیات موسسه تجاری بنا به الزامات قانونی و عرفی و محیط اقتصادی ضروری می‌باشد این قبیل هزینه‌ها یا به واسطه اعمال قانونی و مصوبات قانونی و یا از طریق فشارهای سیاسی به شرکت‌ها تحمیل می‌شود. از این قبیل هزینه‌های سیاسی می‌توان به مالیات، بیمه بازنشستگی، هزینه‌های ناشی از کمک‌های بلاعوض به اشخاص و ترجمان‌ها و نهادها، کمک به ورزش، حقوق گمرکی صادرات، هزینه حفظ محیط‌زیست، هزینه

¹ Leuz

² Barth

توسعه فضاهای آموزشی، پرداختی به اتحادیه‌های کارگری و سایر مراجع رسمی و غیررسمی اشاره کرد (جامعی و رسولی، ۱۳۹۹).

۳. چارچوب نظری و تدوین فرضیات

اثرات فرایند سیاسی به مدیران شرکت‌های حساس از نظر سیاسی این انگیزه را می‌دهد که از روش‌های حسابداری‌ای استفاده کنند که گزارش سود را به انگیزه‌هایی برای کاهش واریانس تعویق می‌اندازد. از سوی دیگر ممکن است فرایند سیاسی سود گزارش شده ایجاد کند. واریانس از این لحاظ مهم است که احتمال می‌رود بر شرکت‌هایی که تنها در یک دوره واحد سود بالایی داشته‌اند، مقررات قانونی و سیاسی اعمال شود و به دوره‌های دیگر که سود کمتری داشته‌اند توجهی نشود. همچنین بر اساس نظریه اثباتی^۱، این احتمال وجود دارد شرکت‌هایی که حساسیت سیاسی دارند، روش‌هایی را انتخاب کنند که سودها را به تعویق اندازند. به بیان دیگر، مدیریت این قبیل واحدهای تجاری روش‌هایی را انتخاب خواهند کرد که سود گزارش شده دوره جاری به دوره‌های آتی انتقال یابد. به عبارتی، شرکت‌ها نسبت به هزینه‌های سیاسی واکنش نشان داده و رویه‌های حسابداری خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند تا این هزینه‌ها را کاهش دهند. در این تحقیق به بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی شامل ریسک شرکت، اندازه، شدت سرمایه‌گذاری و مالکیت دولتی بر پدیده هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در اوراق بهادار تهران پرداخته می‌شود.

ریسک شرکت و هموارسازی سود

بر اساس تحقیقات به عمل آمده، یکی از اهداف هموارسازی سود را می‌توان افزایش سطح بازده و کاهش ریسک شرکت نام برد (اخگر و محمودی، ۱۳۹۷). همچنین در بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به دو مقوله ریسک و بازده توجه می‌شود و فرض می‌شود که سرمایه‌گذاران از ریسک بدون بازده گریزانند و در صورتی که احتمال وقوع ریسک خاصی را دهند نرخ بازده مورد انتظار خود را متناسب با آن تعدیل می‌نمایند (ثقفی و مرفوع، ۱۳۹۰). سرمایه‌گذاران اغلب مایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که ریسک کمتری داشته و متناسب با آن بازده مناسبی نیز به دست آورند. از آنجایی که ریسک بازار یک شرکت با نوسانات بازده سهام آن اندازه‌گیری می‌شود و قیمت سهام نیز به نحوی با سود هر سهم شرکت در ارتباط است، لذا شرکت‌ها تمایل دارند با کاهش نوسانات در سود باعث کاهش نوسانات بازده شوند و در نهایت تصور سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از ریسک شرکت را تحت تأثیر قرار دهند. لذا شرکت‌ها با این هدف اقدام به هموارسازی سود می‌کنند تا از این طریق باعث ایجاد جریان ثابت رشد سود گزارش شده گردند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). ناگی^۲ (۲۰۰۱) استدلال نمود که کیفیت سود و هموارسازی می‌تواند باعث افزایش بازده و کاهش ریسک شود. با توجه به اینکه کاهش نوسانات سود از طریق هموارسازی باعث کاهش ریسک می‌شود و نیز افزایش کیفیت سود باعث اعتماد سرمایه‌گذاران به شرکت در ایجاد جریان‌های نقد آتی می‌شود؛ اما زمانی که کیفیت وجود دارد، هموارسازی می‌تواند باعث کاهش کیفیت سود شود بنابراین می‌توان بیان نمود که هموارسازی سودهای باکیفیت منجر به افزایش ریسک می‌گردد.

همچنین مطالعات نشان داده است شرکت‌هایی که هموارسازی سود را انجام می‌دهند، بتای پایین‌تر و ارزش ویژه بیشتری دارند. نرخ بازگشت پایین‌تر، ریسک کمتر و نسبت پوشش بهره و بازده حقوق صاحبان سهام کمتر را از ویژگی‌های

^۱ Positive Theory

^۲ Nagy

شرکت‌های هموارساز است. به عبارت دیگر بتای شرکت‌های هموارساز کمتر از بتای شرکت‌های غیر هموارساز است و شرکت‌های هموارساز میانگین بازده بیشتری را نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز داشته‌اند (فیروزیان نژاد و همکاران، ۱۳۹۸). در نتیجه فرضیه اول به شرح زیر ارائه می‌شود:

ریسک شرکت بر هموارسازی تأثیر دارد.

شدت سرمایه‌گذاری و هموارسازی سود

وجود فرصت‌های رشد موجب ایجاد ارزش برای یک شرکت می‌شود. زمانی که سرمایه‌گذاران، ارزش شرکت را بر اساس داده‌های حسابداری تعیین می‌کنند، ضروری است تا میزان رشد مورد انتظار شرکت را در فرآیند ارزش‌گذاری آن مدنظر قرار دهند. (خردیار و همکاران، ۱۳۹۷). شرکت‌هایی که نتایج مالی خود را دستکاری می‌کنند، تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه می‌گیرند. دستکاری سود به سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دوره گزارشگری نادرست منجر می‌شود ولی پس‌ازاین دوره دیگر این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد نمی‌کنند. این موضوع به دلیل اصلاح اطلاعات است که منجر به سرمایه‌گذاری کاراتر شده است (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲).

شدت سرمایه یا میزان به‌کارگیری دارایی‌ها، مقدار وجه سرمایه‌گذاری شده برای کسب یک ریال ارزش خروجی است. از آنجایی که میزان شدت سرمایه وابسته به میزان دارایی‌های ثابت شرکت است و دارایی‌های ثابت می‌تواند به‌عنوان دارایی قابل وثیقه‌گذاری، پشتوانه‌ای برای تعهدات شرکت به حساب آیند، میزان شدت سرمایه می‌تواند ریسک مالی را کاهش دهد؛ همچنین شرکت‌هایی که حجم بالایی از اموال ماشین‌آلات و تجهیزات را در اختیار دارند و موضوع هزینه‌های سیاسی قرار می‌گیرند انگیزه دارند که سود گزارش شده را از طریق اعمال محافظه‌کاری بیشتر کاهش دهند (والید و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه فرضیه سوم به شرح زیر ارائه می‌شود:

شدت سرمایه‌گذاری بر هموارسازی تأثیر دارد.

اندازه شرکت و هموارسازی سود

بر اساس فرضیه هزینه‌های سیاسی هرچه اندازه شرکت‌ها بزرگ‌تر باشد، مدیران آن شرکت‌ها تمایل دارند درآمد گزارش شده را از دوره‌های فعلی به دوره‌های آتی انتقال دهند تا هزینه‌های سیاسی را که به علت قرار گرفتن شرکت در دید سیاسی، بر آنها تحمیل می‌شود، کاهش دهند.

اکثر مطالعات ارتباط مثبتی بین اندازه شرکت و شرکت‌های سیاسی را تأیید می‌کنند، شرکت‌های بزرگ از نظر سیاسی حساس‌تر از شرکت‌های کوچک‌تر هستند زیرا شرکت‌های بزرگ کمک بیشتری به اقتصاد ملی می‌کنند؛ بنابراین، افزایش سود گزارش شده شرکت‌های بزرگ‌تر حساسیت بیشتری ایجاد می‌کند (پورحیدری و همتی، ۲۰۰۴). واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) اشاره می‌کنند که شرکت‌های بزرگ در معرض اقدامات دولتی بیشتری در قالب مقررات بیشتر یا مالیات و عوارض اضافی برای اطمینان از انتقال ثروت از شرکت‌های بزرگ هستند. علاوه بر این، شرکت‌های بزرگ از حساسیت سیاسی بالاتری در قالب فشار شدیدتر عمومی برخوردار هستند که آن‌ها را مجبور می‌کند تا مسئولیت اجتماعی داشته باشند و اقدامات و رفتارهای خود را با آنچه از محیط اجتماعی انتظار می‌رود، تنظیم کنند. (والید و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه فرضیه سوم به شرح زیر ارائه می‌شود:

اندازه شرکت بر هموارسازی تأثیر دارد.

مالکیت دولتی و هموارسازی سود

در اکثر کشورها، دولت به دلیل اقتدار تصمیم‌گیری در عرصه بنگاه‌ها و سیاست‌های کلان آنها از حامیان اصلی اقتصاد ملی است. افزایش دولت در مالکیت شرکت‌ها بر عملکرد شرکت‌ها مؤثر است و این شرکت‌ها را قربانی می‌کند، به‌عنوان مثال، شرکت‌های با مالکیت دولتی امکان دارد بخشی از سود خود را وقتی که دولت آنها را مجبور به فروش محصولات خود با قیمت‌های کمتر از رقبا کند، یا خواستار افزایش مشارکت خود در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی باشد، از دست دهند. دینگ و همکاران^۱ (۲۰۰۷) اشاره کردند که شرکت‌های خصوصی تمایل بیشتری به حداکثر رساندن سود خود نشان می‌دهند. باین‌حال، پیگیری منافع شخصی از سوی صاحبان اصلی در زمینه هموارسازی سود در شرکت‌های خصوصی کمتر از شرکت‌های دولتی است. آخوند نژاد و همکاران (۲۰۱۳) ارتباط مثبت بین مالکیت دولتی و هموارسازی سود را تأیید می‌کنند. زنگ^۲ (۲۰۱۴) دریافت که مالکیت دولتی ارتباط منفی با مدیریت سود تعهدی دارد. در نتیجه فرضیه چهارم به شرح زیر ارائه می‌شود:

مالکیت دولتی بر هموارسازی تأثیر دارد.

۴. پیشینه تحقیقات انجام شده

ابوبکر و همکاران^۳ (۲۰۲۱) در بررسی رابطه میان ارتباطات سیاسی و مدیریت سود در نیجریه نشان دادند که شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی مدیریت سود بالاتری دارند. الحداب^۴ (۲۰۲۰) در بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و مدیریت سود نشان داد شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی سطح بالاتری از مدیریت سود واقعی را در مقایسه با شرکت‌های غیر سیاسی مرتبط نشان می‌دهند. این شواهد نشان می‌دهد که شرکت‌های مرتبط با نهادهای سیاسی در اردن به‌صورت فرصت طلبانه سود گزارش شده را برای به دست آوردن سود خصوصی از طریق استفاده از فعالیت‌های واقعی مبتنی بر دستکاری، با هزینه سایر سهامداران اقلیت، دستکاری می‌کنند. والید و همکاران (۲۰۱۹) در بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود نشان دادند هزینه‌های سیاسی (اندازه شرکت، ریسک، مالیات شرکت، مالکیت دولتی، شدت دارایی و سرمایه‌گذاری) بر هموارسازی سود تأثیر دارد. مالول^۵ (۲۰۱۸) در بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت. نشان داد، ارتباطات سیاسی موجب بهبود عملکرد و ارزش شرکت می‌شود. دینگ و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی تأثیر نوع مالکیت بر مدیریت و دستکاری سود نشان دادند مالکیت دولتی تأثیر مستقیمی بر هموارسازی سود دارد. گلاور و لوین^۶ (۲۰۱۷) در بررسی رابطه ریسک غیرسیستماتیک و مدیریت نشان دادند مدیران انگیزه دارند ریسک را از طریق کاهش نوسان سود کاهش دهند. اتیه^۷ (۲۰۱۶) ارتباط بین هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود را بررسی نمودند. نتایج نشان داد، تعامل بین مدیران سیاسی با نهادهای حکومتی، حساسیت واحدهای تجاری به فشارهای سیاسی را افزایش می‌دهد و باعث به‌کارگیری رویه‌های حسابداری می‌شود که منجر به مدیریت سود می‌گردد. الحاتم و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه اندازه شرکت و هزینه‌های سیاسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس الجزایر پرداخت. او دریافت که بین اندازه شرکت و هزینه‌های سیاسی ارتباط معناداری وجود دارد. چن و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی اثر هزینه‌های سیاسی

¹ Ding

² Zeng

³ Abubakar

⁴ Alhadab

⁵ Maaloul

⁶ Glover, B., Levine

⁷ Attie

بر مدیریت سود نشان دادند شرکت‌ها در دوران تحول اقتصادی با فشارهای سیاسی از سوی دولت مواجه بوده‌اند و برای کاهش این فشارها به مدیریت سود روی آورده‌اند.

جامعه و رسولی (۱۳۹۹) در بررسی هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود واقعی نشان دادند هزینه‌های سیاسی، اثر منفی بر مدیریت سود واقعی دارد. هرچند که این شدت از نظر آماری معنادار نیست... همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که نسبت سودآوری و نسبت اهرمی اثر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارند. عمادی و خمیس آبادی (۱۳۹۸) در بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در شرکت‌های خدماتی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهند که اندازه شرکت و نرخ رشد دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارند و عدم تقارن اطلاعاتی، ساختار مالکیت و ریسک تأثیر معناداری بر هموارسازی سود ندارد. ایمانی برندق و هاشمی (۱۳۹۷) نشان دادند که مدیریت سود انجام شده در دوره‌های مختلف سیاسی تفاوت معنی‌داری با هم داشته است یعنی مدیریت سود در ایران می‌تواند از عوامل سیاسی تأثیر پذیرد نتایج تحقیق دریایی و شهرابی (۱۳۹۷) در بررسی نقش تعدیل‌گر مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت بیانگر تأثیر منفی معنادار مالکیت دولتی بر مدیریت سود واقعی شرکت‌ها و تأثیر مثبت معنادار مدیریت سود واقعی بر عملکرد آتی شرکت‌ها می‌باشد. همچنین نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنادار مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت‌ها بوده است. منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی رابطه بین هزینه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که هزینه‌های سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی به همراه دارد. بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۶) به این نتیجه دست یافتند که ریسک، رشد، کساد مالی بر هموارسازی سود سهام تأثیر ندارند، همچنین اندازه شرکت بر هموارسازی سود سهام تأثیر منفی و معناداری دارد مهرانی و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام نشان ضریب همبستگی بین شاخص هموارسازی سود و ریسک سهام نشان از وجود رابطه مثبت و معنادار بین شاخص هموارسازی سود و ریسک سهام است. همچنین ریسک شرکت‌هایی که سودهای با کیفیت خود را هموار می‌نمایند، بیش از شرکت‌هایی است که سودهای بی کیفیت خود را هموار می‌کنند. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی اثر مدیریت سیاسی بر مدیریت سود نشان دادند بین مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه‌ای مستقیم وجود دارد

۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت و محتوا از نوع توصیفی همبستگی؛ و با توجه به استفاده از اطلاعات تاریخی، پس رویدادی است. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و تحلیلی - علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) نیز می‌باشد؛ و برای تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزارهای EViews9 و SPSS23 و استفاده شده است. داده‌های موردنیاز این پژوهش از طریق بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای و استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و مراجعه به وب‌سایت www.rdis.ir گردآوری شده و برای مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران در یک بازه زمانی ۸ ساله طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۸ می‌باشد که با استفاده از روش حذف سیستماتیک و بعد از مدنظر قرار دادن معیارهای زیر تعداد ۱۳۸ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

۱. شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته‌شده و تا پایان سال ۱۳۹۸ در بورس فعال باشد؛

۲. سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی زمان تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد؛

۳. فعالیت اصلی شرکت سرمایه گذاری، بانکداری، لیزینگ و نهاد مالی نباشد؛

۴. اطلاعات مورد نیاز در بخش تعریف متغیرها در دسترس باشد و

۵. شرکت طی سال مالی مورد مطالعه وقفه معاملاتی بیش از ۳ ماه نداشته باشد.

۱.۵ متغیرها و مدل پژوهش

متغیر وابسته:

متغیر وابسته در این پژوهش هموارسازی سود (SMTH) می باشد؛ روش های متعددی به منظور هموارسازی سود وجود دارد. نوسان سود را می توان با استفاده از ارقام تعهدی، هزینه های اختیاری، تغییر در روش های حسابداری، زمان بندی وقوع رویدادها نظیر تغییر زمان بندی فروش دارایی های ثابت، زمان پذیرش تغییرات اجباری و نظایر آن هموار نمود. در این پژوهش برای اندازه گیری هموارسازی سود، از ایده لئوز و همکاران (۲۰۰۳)^۱ استفاده می نمایم. این مدل حدی را که برای هموارسازی سود در نظر گرفته می شود اندازه گیری می نماید. در این تحقیق از نسبت انحراف استاندارد سود عملیاتی به انحراف استاندارد جریان نقدی عملیاتی استفاده می نمایم. برای این اندازه گیری، سود عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی را، نسبت به کل دارایی ها در نظر گرفته و سپس هموارسازی سود از رابطه زیر بدست می آید:

$$SMTH_{i,t} = (\sigma(OPEAR_{i,t} / ASSETS_{i,t}) / \sigma(CFO_{i,t} / ASSETS_{i,t}))$$

که در آن:

$ASSETS_{i,t}$: متوسط کل دارایی ها

$(OPEAR) \sigma$: انحراف معیار سود عملیاتی

$(CFO) \sigma$: انحراف معیار جریان نقدی عملیاتی

متغیر مستقل

هزینه سیاسی دارای چندین سازه (ریسک شرکت، شدت سرمایه گذاری، مالکیت دولتی و اندازه شرکت) به شرح زیر می باشد:

ریسک شرکت BETA

با توجه به این که انحراف معیار بیشتر در بازده سالانه شرکت نشان دهنده انحرافات و نوسانات بیشتر بازده سهام شرکت است و هرچه قدر بازده سهم نوسانات بیشتری داشته باشد، احتمال ریسک شرکت بیشتر می شود، ریسک شرکت بر اساس پژوهش بی لی (۲۰۱۹) از طریق انحراف معیار بازده سالانه سهام اندازه گیری خواهد شد. برای اندازه گیری عملکرد سهام از بازده سهام استفاده خواهد شد که بازده سهام شرکت α در سال t از طریق فرمول زیر محاسبه می شود:

$$R_{i,t} = \frac{(1 + \alpha + \beta) * (P_{i,t} + DPS) - P_{i,t-1} - \alpha (1000)}{P_{i,t-1} + \alpha (1000)}$$

$R_{i,t}$: بازده سهام شرکت i در سال t

$P_{i,t}$: بازده سهام شرکت i در سال t

α : درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی

¹. Leuz, 2003

β : درصد افزایش سرمایه از محل سود انباشته، اندوخته‌ها

$P_{i,t-1}$: قیمت سهام ابتدای سال شرکت i در سال t

DPS: سود نقدی هر سهم شرکت i در سال t

شدت سرمایه‌گذاری CI

از طریق تقسیم نسبت دارایی‌های ثابت به کل فروش محاسبه می‌شود.

اندازه شرکت SIZE

از طریق لگاریتم طبیعی مجموع فروش شرکت محاسبه می‌شود.

مالکیت دولتی GOV_OWN

اگر سهامدار عمده دولتی یا شبه دولتی در ساختار مالکیت وجود داشته باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر می‌باشد.

متغیرهای کنترلی:

بازده سرمایه‌گذاری (ROI)

از طریق نسبت درآمد قبل از کسر مالیات و بهره به کل دارایی‌های محاسبه می‌شود.

کیفیت حسابرسی (AUDQ)

برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از یک متغیر دو وجهی استفاده خواهد شد. بدین صورت که اگر اظهار نظر مقبول باشد یک و در غیر این صورت صفر تعلق می‌گیرد

اهرم مالی (LEV)

از طریق تقسیم نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود

$$SMTH_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 BETA_{i,t} + \alpha_2 CI_{i,t} + \alpha_3 GOV_OWN_{i,t} + \alpha_4 ROI_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 LEV_{i,t} + \epsilon_{it}$$

۶. یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداکثر و حداقل مشاهدات و ... ارائه شده است:

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	علامت اختصاری	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
ریسک شرکت	BETA	۱۱۰۴	۰,۰۷	۰,۰۵۳	۰,۰۴۶	۱,۱۲	۳,۲۴	۰,۰۰۳	۰,۳۱
شدت سرمایه‌گذاری	CI	۱۱۰۴	۰,۲۸	۰,۲۰	۰,۱۵	۱,۲۹	۶,۶۱	۰	۰,۸۷
اندازه شرکت	Size	۱۱۰۴	۱۴,۸۱	۱۴,۵۴	۱,۵۲	۰,۹۰۶	۴,۶۵	۱۱,۰۱	۲۰,۱۸
مالکیت دولتی	GOV_OWN	۱۱۰۴	۴۸,۷۹	۵۸,۴۵	۲۳,۸۱	-۰,۳۹	۱,۶۱	۰	۹۸,۷۱
هموارسازی سود	SMTH	۱۱۰۴	۰,۷۱	۰,۶۶	۲,۴۶	۰,۳۹	۴,۱۷	۰,۱۶	۳,۵۷
بازده سرمایه‌گذاری	ROI	۱۱۰۴	۱,۷۲	۱,۴۹	۰,۶۶	۱,۶۹	۵,۷۵	۰,۵۸۱	۶,۰۳
اهرم مالی	LEV	۱۱۰۴	۰,۶۲	۰,۶۵	۰,۴۱	-۰,۳۳	۳,۳۱	۰,۰۷	۰,۹۸

میانگین (۰,۰۷) متغیر ریسک شرکت از مقدار میانه (۰,۰۵) بزرگتر است. میانگین شدت (تراکم) سرمایه گذاری که از تقسیم نسبت دارایی‌های ثابت به کل فروش محاسبه شده است، برابر با (۰/۲۸) است از میانه آن (۰/۲۰) بزرگتر است که نشان‌دهنده این است چوله به راست می‌باشد. میانگین اندازه شرکت نیز بر حسب محاسبه لگاریتم طبیعی دارایی‌ها (۱۴/۸۱) است و در بیشترین حالت خود به (۲۰/۱۸) رسیده است. میانگین (۰,۴۸) مالکیت دولتی بیانگر سهم بالای سهامدار عمده دولتی یا شبه دولتی در ساختار مالکیت شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین هموارسازی سود (۰,۷۱) که بزرگتر بودن آن از میانه بیانگر چوله به راست بودن توزیع این متغیر می‌باشد. میانگین (۰,۶۲) اهرم مالی نیز بیانگر سهم بالای سایر گروه‌های مالی در تأمین مالی شرکت است. همچنین برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از گزارش مقبول حسابرس استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۲) نشان داده شده است:

جدول (۲) آمار توصیفی متغیر کیفیت حسابرسی

مشاهدات		متغیر
درصد	تعداد	
۴۸,۸۲	۵۳۹	اظهار نظر مقبول
۵۱,۱۸	۵۶۵	سایر گزارش‌ها حسابرسی (مردود، مشروط و عدم اظهار نظر)
۱۰۰	۱۱۰۴	مجموع

میانگین در حدود (۴۹) درصدی کیفیت حسابرسی که بر اساس اظهار نظر مقبول اندازه‌گیری شده است نشان می‌دهد که تقریباً نصف گزارش‌های صادر شده مقبول بوده‌اند. در حدود نصف گزارش‌های صادر شده نیز مردود و یا مشروط بوده‌اند.

برآورد فرضیه پژوهش:

در برآورد مدل اول برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل کارآمد خواهد بود یا نه از آزمون F لیمر و به منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۳. نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل (۱) تحقیق

نتیجه آزمون	P-Value	مقدار آماره آزمون	آزمون
رد فرض صفر استفاده از مدل پانل	۰,۰۰۰	۲۸,۰۵	F لیمر
رد فرض صفر استفاده از اثرات ثابت	۰,۰۰۰	۱۶۱,۷۶	هاسمن X^2

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن (سطح احتمال‌های کمتر از ۰/۰۵) در این مدل از روش داده‌های پانل با روش اثرات ثابت استفاده می‌شود. در جدول ۳ نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل تحقیق

متغیر	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال	VIF
BETA	۰,۳۲	۳,۱۶	۰,۰۰۰	۱,۹۸
CI	۰,۱۰	۱,۲۲	۰,۱۸۷	۲,۰۴
Size	۱,۴۱۰	۴,۷۸	۰,۰۰۰	۱,۵۴
GOV_OWN	-۰,۰۴۲	-۲,۳۷	۰,۰۲۱	۱,۶۲
ROI	۰,۳۱	۲,۶۹	۰,۰۲۳	۱,۲۳
LEV	-۰,۱۸	-۶,۰۵	۰,۰۰۰	۱,۳۹
AUDQ	-۰,۱۲	-۴,۰۴	۰,۰۰۰	۲,۱۷
C (مقدار ثابت)	۰,۱۸۴	۲,۸۳	۰,۰۰۶	-
مقدار F		۲۰,۳۸	مقدار احتمال F	
ضریب تعیین (R ²)		۰,۴۹۴۳	دوربین واتسون	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۴۶۶۲	۱,۸۱	

در بررسی معنی‌دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۴۶/۶۲ درصد از تغییرات هموارسازی سود شرکت توسط متغیرهای واردشده در مدل تبیین می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر ریسک شرکت کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰) یعنی معنی‌دار است، ضریب آن (۰/۰۳۲) مثبت می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۳/۱۶ می‌باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد. همچنین سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر اندازه شرکت کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰) یعنی معنی‌دار است، ضریب آن (۱/۴۱) مثبت می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۴/۷۸ می‌باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد. سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر مالکیت دولتی کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۲۱) یعنی معنی‌دار است، ضریب آن (-۰/۰۴۲) منفی می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با -۲/۳۷ می‌باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد؛ اما سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر شدت سرمایه‌گذاری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۱۸۷) یعنی بی‌معنی است، ضریب آن (۰/۱۰) مثبت می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۱/۲۲ می‌باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از میان ابعاد هزینه‌های سیاسی، ریسک شرکت و اندازه شرکت، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر همواری سازی سود دارند و مالکیت دولتی تأثیر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد، اما تأثیر شدت سرمایه‌گذاری بر هموارسازی سود معنی‌دار نیست

۷. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود بر اساس اطلاعات گردآوری شده از بازار سرمایه ایران مربوط به ۱۳۸ شرکت در ۸ سال متوالی از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه کلی پژوهش نشان داد که هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود تأثیر دارد؛ چراکه از ۴ شاخص اندازه‌گیری شده، سه شاخص بر هموارسازی سود تأثیر داشتند؛ که این نتیجه کلی مطابق با یافته‌های ولید و همکاران (۲۰۱۹) و اتیه و همکاران (۲۰۱۶) می‌باشد نتیجه فرضیه اول نشان داد که ریسک شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر هموارسازی سود دارد؛ یعنی با افزایش ریسک شرکت، هموارسازی سود نیز افزایش می‌یابد. در مورد تأثیر مثبت ریسک بر هموارسازی سود نیز می‌توان گفت

از آنجایی که ریسک بازار یک شرکت با نوسانات بازده سهام آن اندازه گیری می شود و قیمت سهام نیز به نحوی با سود هر سهم شرکت در ارتباط است، لذا شرکت ها تمایل دارند با کاهش نوسانات در سود باعث کاهش در نوسانات بازده شوند و در نهایت تصور سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان از ریسک شرکت را تحت تأثیر قرار دهند. لذا شرکت ها با این هدف اقدام به هموارسازی سود می کنند تا از این طریق باعث ایجاد جریان ثابت رشد سود گزارش شده گردند. از طرفی دیگر ریسک شرکت ناتوانی مدیرعامل را در کنترل ریسک نشان می دهد. هرچه ریسک شرکت بالاتر باشد ناتوانی مدیرعامل در کنترل ریسک محسوس تر باشد، احتمال عزل و جایگزینی بیشتر است. به همین علت نوسان سود می تواند ریسک را افزایش و در پی آن احتمال جایگزینی را بالا می برد. به همین جهت، مدیران انگیزه دارند ریسک را از طریق کاهش نوسان سود کاهش دهند. این نتیجه مطابق با یافته های گلاور و لوین (۲۰۱۷) و مهرانی و همکاران (۱۳۹۳) می باشد

نتیجه فرضیه دوم نشان داد که شدت سرمایه گذاری تأثیر مثبتی بر هموارسازی سود دارد اما این تأثیر معنادار نیست. شدت سرمایه یا میزان به کارگیری دارایی ها، مقدار وجه سرمایه گذاری شده برای کسب یک ریال ارزش خروجی است. از آنجایی که میزان شدت سرمایه وابسته به میزان دارایی های ثابت شرکت است و دارایی های ثابت می تواند به عنوان دارایی قابل وثیقه گذاری، پشتوانه ای برای تعهدات شرکت به حساب آیند، میزان شدت سرمایه می تواند ریسک مالی را کاهش دهد؛ همچنین شرکت هایی که حجم بالایی از اموال ماشین آلات و تجهیزات را در اختیار دارند و موضوع هزینه های سیاسی قرار می گیرند انگیزه دارند که سود گزارش شده را از طریق اعمال محافظه کاری بیشتر کاهش دهند؛ اما نتیجه این تحقیق نشان داد که این تأثیر بر هموارسازی سود معنی دار نیست.

نتیجه فرضیه سوم نشان داد مالکیت دولتی تأثیر معکوسی بر هموارسازی سود دارد. به واسطه ی ماهیت سیاسی دولت مالکیت دولتی، باعث می شود انتخاب مدیران بیش از آنکه تابع منافع و اهداف واقعی شرکت های دولتی باشد، به طور عمده تابع اهداف جناح های حاکم در عرصه سیاست باشد و بنابراین انتظار می رفت که مالکیت دولتی منجر به افزایش هموارسازی سود شود. در حالی که نتیجه این فرضیه خلاف این مبانی بود. از این نتیجه می توان تفسیر کرد که شرکت های با سهم بیشتر نهادهای دولتی، عموماً گرایش به تعقیب اهداف سیاسی دارند و به ندرت گرایش به حداکثر سازی سود دارند، چراکه دخالت دولت ها عموماً منجر به عدم کارایی آنها می شود. همچنین شرکت هایی که سهم نهادهای دولتی در آنها زیاد است دلیلی برای هموارسازی سود نمی بینند، زیرا نیازی به راضی نگه داشتن سهام داران خود ندارند علاوه بر آن در ایران شرکت های دولتی احتمالاً به دلیل نظارت بالای توسط نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات، سازمان بازرسی و... بیشتر به این امر گرایش دارند که از طریق استانداردهای حسابداری مدیریت سود واقعی انجام دهند و چندان گرایش به هموارسازی سود ندارند

این نتیجه مطابق با نتایج والید و همکاران (۲۰۱۹) و دریایی و شهبابی (۱۳۹۷) و در تضاد با یافته های دینگ و همکاران (۲۰۱۸) می باشد.

نتیجه فرضیه چهارم نشان داد اندازه شرکت تأثیر مثبتی بر هموارسازی سود دارد. نوسانات قابل توجه در سود شرکت های بزرگ، احتمال ایجاد هزینه های سیاسی ناخواسته نظیر تقاضای افزایش دستمزد توسط کارکنان شرکت، محدودیت های مهارکننده توسط دولت را افزایش دهد؛ بنابراین، شرکت های بزرگ انگیزه بیشتری برای هموار کردن سود دارند. از طرف دیگر هر چه اندازه شرکت بزرگ تر باشد در معرض رسیدگی های دقیق تر قرار می گیرند. لذا شرکت های بزرگ تر تمایل کمتری برای دستکاری سود دارند بنابراین می توان گفت از آنجا که شرکت های بزرگ در معرض توجه و

بررسی بیشتری قرار دارند، ممکن است انگیزه کمتری نسبت به شرکت‌های کوچکتر برای هموارسازی سود داشته باشند. به بیان دیگر احتمال کمی وجود دارد که مدیران شرکت‌های بزرگ بتوانند از طریق گزارش سودهای هموار، ارزش اضافی بدست آوردن، زیرا منابع به‌طور مستمر علائم اطلاعاتی مربوط را به بازار منتقل می‌کنند. این نتیجه مطابق با یافته‌های والید (۲۰۱۹)، الحاتم (۲۰۱۴) و شورورزی و همکاران (۱۳۸۹) می‌باشد اما با یافته‌های ملانظری و همکاران (۱۳۸۶) مغایرت دارد.

با توجه به نتیجه کلی پژوهش مبنی بر تأثیر هزینه‌های سیاسی بر هموارسازی سود، به تحلیلگران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در تجزیه و تحلیل‌های خود، معیارهای هزینه‌های سیاسی شرکت‌ها را مورد توجه قرار دهند، چراکه می‌تواند حاوی اطلاعات مهمی در مورد کیفیت سود شرکت‌ها باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود انحراف معیار سود هر سهم در یک دوره و همچنین عوامل مؤثر بر آن مانند انگیزه‌های مدیران برای دریافت پاداش را مورد توجه قرار دهند، چراکه می‌تواند به دلیل دستکاری، کیفیت سود گزارش شده را کاهش دهد چرا ریسک بالای شرکت همیشه بیانگر نوسان بالای سود آن شرکت و در نتیجه دستکاری سود توسط مدیران است. با توجه به تأثیر نوع مالکیت، به سهامداران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود که در انتخاب شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری ترکیب سهامداران و وجود سهامدار عمده دولتی در شرکت را مورد توجه قرار دهند، چراکه می‌تواند باعث ایجاد رانت‌های اطلاعاتی و در نتیجه تأثیرگذاری بر کیفیت سود شرکت شود. با توجه تأثیر اندازه شرکت بر هموارسازی سود، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در هنگام بررسی کیفیت سود شرکت‌ها که اندازه شرکت‌ها را برای انتخاب پرتفوی خود مورد توجه قرار دهند، چراکه به دلیل نظارت بیشتر می‌تواند کیفیت سود گزارش شده را افزایش دهد.

منابع

۱. اخگر، محمد امید و محمودی، زهرا (۱۳۹۷) بررسی رابطه هموارسازی سود، ریسک غیرسیستماتیک و گردش مدیرعامل، دانش حسابداری مالی، دوره ۵، ش ۴، ۱۹۳-۲۲۴
۲. ایمانی برندق، محمد و هاشمی، طاهر (۱۳۹۷) بررسی تأثیر عوامل سیاسی بر مدیریت سود، دانش حسابداری، ش ۷۱، ۷۷-۸۹
۳. بادآورندهی، یونس و فریبا علی نژاد (۱۳۹۶) بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات، مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار، اهرم مالی، سن شرکت بر هموارسازی سود سهام، دومین اجلاس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران، موسسه آموزش عالی صالحان
۴. براتی، لایلا و حیدرزاده، علیرضا (۱۴۰۰) بررسی تأثیر هموارسازی سود و شفافیت اطلاعات مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام، دانش سرمایه‌گذاری، سال ۱۰، ش ۳۹، ۵۱-۶۸
۵. ثقفی علی، مرفوع محمد (۱۳۹۰) ریسک نقد شوندگی سهام و کیفیت سود، فصلنامه مطالعات حسابداری شماره ۲۹، ۱-۳۷
۵. جامعی، رضا و رسولی، پیمان (۱۳۹۹) هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود واقعی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری مالی، دوره ۷، ش ۳، ۵۳-۸۴
۶. خردیار، سینا؛ حقیقت، مهدی و حقیقت، مریم (۱۳۹۸) خلق ارزش بر اساس سطوح فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حسابداری مالی و حسابداری، سال ۱۱، ش ۴۲، ۱۷۹-۲۰۱
۷. دریایی، عباسعلی و شهرابی، فاطمه (۱۳۹۷) نقش تعدیل گر مالکیت دولتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره ۷، ش ۱۲، ۱۱۱-۱۴۲
۸. شورورزی، محمدرضا و پهلوان، رحیم (۱۳۸۹) تأثیر اندازه شرکت بر هموارسازی سود، پژوهش‌های مدیریت، ش ۸۷، ۶۹-۸۰

۹. عمادی، سید جواد و خمیس ابادی، زینب (۱۳۹۸) بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در شرکت‌های خدماتی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت عملیات خدمات، سال اول، شماره دوم، ۱۹-۳۳
۱۰. فیروزیان نژاد، محمد؛ رمضان احمدی، محمد؛ جرجرزاده، علیرضا و کعب عمیر، احمد (۱۳۹۸) استراتژی شرکت‌ها در انتخاب رویکردهای مدیریت سود: کاهش ریسک یا افزایش ارزش سهام، دانش حسابداری مالی، دوره ۶، ش ۳، ۱۸۹-۲۱۳
۱۱. قادری، بهمن؛ دیدار، حمزه و کفعمی، مهدی (۱۳۹۸) بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و شکاف مالیاتی: شواهدی تجربی از بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ستا ۸، ش ۳۲، ۱۶۱-۱۹۳
۱۲. مشایخ، شهناز؛ بشیری منش، نازنین و شاهرخی، سمانه (۱۳۹۲) مدیریت سود و رفتار سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری، حسابداری مالی، سال ۱۱، ش ۴۰، ۷۷-۹۹
۱۳. منصورفر، قادری (۱۳۹۶) فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵ (۵۳)، ۱۱۳-۱۴۲
۱۴. مهرانی، ساسان؛ اسکندری، قربان و گنجی، حمیدرضا (۱۳۹۳) رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام، حسابداری مالی، سال ۱۱، ش ۴۲، ۱۱۷-۱۳۹
۱۵. نیکومرام، هاشم، بنی مهد، رهنمای رودپشتی، کیانی. ۱۳۹۲ دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. حسابداری مدیریت، ۶، ۳۱-۴۳
16. Alhadab, M (2020) Political Connections, Government Ownership and Earnings Management: Evidence from Jordan, *International Journal of Accounting Auditing and Performance Evaluation*
17. Abubakar, A., Peter, a., Dahiru, H (2021) Political connection and earning Management in Nigeria, *Aplicasia journal*, vol 5, no 2,
18. Akhoondnejad, J., Garkaz, M., & Shoorvarzi, M. (2013). Political Costs Factors Affecting Income Smoothing Evidence From Tehran Stock Exchange. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 5(2), 341-351
19. Attie, M. B. R., Lassoued, N., & Attia, A. (2016). Political Costs and Earnings Management: Evidence From Tunisia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 6(4), 388-407
20. Barth M., Elliot J., Finn W. (2017), "Managerial Optimism and Earning Smoothing", *Accounting Review*, 31(9), 21-31
21. Chen D., Jieying, L., Shangkun, L., and Guojun W. (2011). Macroeconomic Control, Political Costs and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Real Estate Companies, *Journal of Accounting Research*, 4: 91-106.
22. Ding, Y., Hua, Y., & Junxi, Y. (2007). Private VS State Ownership and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Companies. *Corporate Governance: An International Review*, 15(2), 223-238
23. Glover, B., Levine, O. (2017). Idiosyncratic Risk and the manager. *Journal of Financial Economic*, 126(2):320-341
24. Leuz C., Nanda D., Wysocki P. (2003), "Earning Management and investor Protection: an International Comparison", *Journal of Finanve Economics*, 69, 505-527
25. Maaloul, A., Chakroun, R., Yahyaoui, S. (2018). The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 8 (2), 185-204.

26. Mellahi, K., Frynas, J. G., Sun, P., & Siegel, D. (2016). A review of the nonmarket strategy literature: Toward a multi-theoretical integration. *Journal of Management*, 42 (1), 143-173
27. Nagy, A.L. and T.L. Neal (2001), 'An Empirical Examination of Corporate Myopic Behavior A Comparison of Japanese and US Companies', *The International Journal of Accounting* (May), pp. 91–113.
28. Poorheidari, O., & Hemati, D. (2002). A Review of Effect of Debt Contracts, Political Costs, Bonus Plans and Ownership on Earnings Management in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal The Iranian Accounting And Auditing Review*, 2(36), 47-63.
29. Zeng, T. (2014). Earnings Management Around Tax Rate Reduction: Evidence From China's 2007 Corporate Tax Reform. *Asian Review of Accounting*, 22(3), 304-317.

Investigating the Effect of Political Costs on Income Smoothing of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Javad Fotooh ^{*1}

Mohammad Hamed Khanmohammadi ²

Date of Receipt: 2021/07/23 Date of Issue: 2021/08/25

Abstract

Due to the importance of corporate Income for users of financial statements, management tries to improve the amount and manner of profit presentation, one of which is the phenomenon of Income smoothing. Smoothing can affect the behavior of users of financial statements. The purpose of this study is to Investigating the effect of Political Costs on Income Smoothing of companies listed on the Tehran Stock Exchange. The information from this study is taken from the financial statements of 138 companies during the period 1391-1398. The research is applied in terms of purpose; in terms of nature and content it is a correlation type. Multiple regression based on panel data analysis (panel data) was used to test the relationship between variables and the significance of the model. The results of testing the hypotheses showed that among the dimensions of political costs, firm risk and company size, have a positive and significant effect on Income smoothing and government ownership has a negative and significant effect on Income smoothing, but the effect of investment intensity on smoothing Income is not significant.

Keyword: Political Costs, Income Smoothing, firm risk, government ownership, investment intensity

1. Master of Accounting, Naser Khosrow Higher Education Institute (*Corresponding Author: Javadfotooh@yahoo.com).

2 Associate Professor, Department of Accounting, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran (Dr.khanmohammadi@yahoo.com).